

بنام خدا

درس: تاریخ اسلام ۲ تاریخ برگزاری: سه شنبه ۹۸/۱۲/۲۷ ساعت ۹-۱۱

مدرس: امیر دهقان نژاد

روش‌های سیاسی معاویه

معاویه بنیان‌گذار حکومت امویان در دوران حکومت خویش مجموعه از روش‌های مختلف را برای تثبیت قدرت بنی‌امیه و پیش‌برد مقاصد خویش به کار برده که به صورت اجمالی عبارت بودند از:

۱- تغییر در شالوده نظام سیاسی و محور قرار دادن نقش ارتش

۲- ایجاد موازنه قدرت میان قبایل، ایجاد ولایتعهدی و سرکوب مخالفان

۳- خوشرفتاری با شخصیت‌های بزرگ اسلامی، بذل و بخشش بی‌نهایت به برخی صحابه و فرزندان‌شان و حتی عموم مردم

۴- استقرار امنیت در سراسر قلمرو حکومت به وسیله برگزیدن حاکمان مقتدر و قاطع که هرگونه مخالفتی را سرکوب میکردند.

۵- اداره مستقیم حکومت توسط شخص معاویه

۶- سیاستهای توسعه طلبانه نظیر پیوندهای سیاسی و نسبی با قبایل عرب، بویژه قبایل یمنی که او را در رسیدن به حکومت یاری کرده بودند، مدارا و اتحاد با مسیحیان شام، پیوند سببی با قبیله کلب (که رهبری سایر قبایل یمنی در شام را برعهده داشت) و ازدواج با میسون دختر بجدل بن انیف از قبیله بنی حارثه بن جناب کلبی برای تثبیت موقعیت خود در میان این قبیله. همچنین معاویه با زنده کردن تعصبات نژادی و مطرح کردن و حمایت از برتری نژاد عرب بر سایر نژادها سعی داشت نظام پادشاهی ایجاد کند که وی با عنوان بزرگ عرب در راس آن باشد.

انتخاب یزید به ولایتعهدی

بیعت گرفتن برای یزید و تعیین ولایتعهدی از جمله اقدامات معاویه بوده است که بیش از هر اقدامی سبب شد بسیاری از مسلمین در مقابل معاویه بایستند. چرا که انتخاب یزید به ولایتعهدی با انتخاب خلفای پیشین متفاوت بود و همچنین اعراب تا آن زمان با حکومت موروثی آشنایی نداشتند. معاویه به خوبی آگاه بود که برای بقای نظام و حکومتی که ایجاد کرده بود نیاز به موروثی کردن حکومت در خاندان بنی امیه دارد. به ویژه آنکه دشمن اصلی امویان بنی هاشم بودند و اگر یکی از آنها بخلافت میرسید به معنای از بین رفتن حکومت امویان بود. همچنین وی عقیده داشت که مرکز خلافت باید در شام یعنی میان قبایل عربی که مطیع و حامی بنی امیه بودند باقی بماند.

بر اساس روایات تاریخی اولین کسی که مسئله موروثی کردن ولایتعهدی را در ذهن معاویه ایجاد کرد مغیره بن شعبه حاکم اموی کوفه بود. از آنجا که معاویه قصد داشت او را برکنار کند، مغیره به شام رفت و یزید را ترغیب نمود که مسئله ولایتعهدی خود را با پدرش مطرح کند. وی پس از دیدار با معاویه، مشکلات و درگیری های سیاسی دوران خلافت عثمان و دوران پس از قتل او را یادآوری کرد و معاویه را راضی نمود که در دوران حیاتش جانشین خود را انتخاب نماید. وی یزید را به عنوان گزینه مناسب جانشینی پیشنهاد داد. همچنین مغیره تعهد کرد که برای یزید از مردم کوفه بیعت بگیرد. از این رو معاویه از عزل مغیره چشم پوشید و به وی امر کرد که برای یزید از مردم کوفه بیعت بگیرد.

گرفتن بیعت از مردم بصره نیز به زیاد بن ابیه واگذار شد. هنگامی که این خبر به زیاد بن ابیه رسید وی معاویه را متقاعد کرد که این امر را به تعویق بیندازد. وی عقیده داشت از آنجا که یزید شخصیتی سست عنصر و دلبسته ی تفریحات است، شایستگی خلافت را ندارد و ممکن است انتخاب او در این برهه سبب شورش مخالفان شود.

معاویه نیز قبول کرد که انتخاب یزید را به آینده موکول کند. در سال ۴۹ هجری و به دنبال شهادت امام حسن (ع)، معاویه موقعیت را مناسب دید. پذیرفتن ولایتعهدی یزید نه تنها برای مردم شام مشکل نبود بلکه بر آن اصرار داشتند زیرا موجودیت آنها در برابر مدعیانی که از حجاز یا عراق سر بر می آوردند در گرو حفظ امویان بر سریر قدرت بود. عراق نیز به صورت طبیعی با شام مخالف بود و افزون بر شیعیان کوفه، خوارج عراق نیز از اساس با بنی امیه مخالف بودند.

اما مهمترین مانع موجود برای این امر اقناع شخصیت های بزرگ حجاز بود چرا که حجاز به مثابه مهد اسلام بود، به علاوه صحابه و فرزندانسان در آنجا زندگی میکردند. معاویه به مروان بن حکم حاکم مدینه دستور داد که نظر مردم برای انتخاب جانشین خود را جویا شود بدون آنکه نامی از یزید برده شود. هنگامی که مروان به معاویه اعلام کرد که مردم مدینه مخالفتی با این مسئله ندارند، معاویه به وی دستور داد که یزید را به عنوان ولیعهد به مردم معرفی کند. همزمان دستور داد که در همه ی قلمرو اموی از یزید به نیکی یاد کنند و در مدحش شعر و ثنا گویند. شاعرانی چون عقیبه اسدی و عبدالله بن همام سلولی که از یزید تنفر داشتند و اشعاری در ملامت او سروده بودند با پولهای فراوان معاویه دهانشان بسته شد. بعلاوه او سعی کرد با بخشش های زیاد به مردم مناطق مختلف قلمرو اموی آنان را با انتخاب یزید همراه کند. همچنین معاویه در اقدامی تبلیغی و نمادین یزید را به جنگ با رومیان فرستاد تا به عنوان غازی اسلام معرفی شود و برای خلافت او در میان مسلمین مشروعیت کسب کند.

واکنش به ولایتعهدی یزید به طور کلی سه گونه بود: ۱- هواداران بنی امیه که موافق با یزید بودند و از این انتخاب حمایت میکردند. ۲- گروهی که گرایش به خلفای نخستین داشتند و بر این عقیده بودند که با انتخاب یزید نظام موروثی بر عرف عمومی تحمیل شده است و این امر به معنی خروج از سنت های اسلامی است. ۳- شیعیان که حکومت اسلامی را حق سیاسی و دینی اهل بیت (ع) میدانستند.

مهم‌ترین شهر و کانونی که از در مخالف با ولایتعهدی یزید در آمد، مدینه و بزرگان سیاسی و دینی ساکن در آن بودند. در راس این مخالفان، امام حسین (ع)، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن بن ابوبکر قرار داشتند.

هنگامی که مروان بن حکم برای گرفتن بیعت با ایشان ملاقات کرد، عبدالرحمن بن ابوبکر اظهار داشت که: شما نمی‌خواهید امت اسلام در کار خود مختار باشد و در پی آن هستید که حکومتی شبیه به حکومت قیصر روم و هرقل به وجود آورید. وی اذعان داشت که اگر خلافت موروثی است ما چهار نفر بیش از یزید استحقاق داریم و اگر معیار انتخاب افراد برتر است یزید نمیتواند خلیفه مسلمین شود زیرا هیچ صفت پسندیده‌ای در وی نیست. معاویه وقتی از مخالفت ایشان با انتخاب یزید آگاه شد شخصا به مدینه رفت. وی پیش از آمدن به مدینه نامه‌های مختلفی همراه با تهدید و تطمیع برای مخالفین با بیعت فرستاد و پس از ورود به مدینه با آنان مذاکره‌ای همراه با تسامح داشت اما با مخالفت ایشان در بیعت با یزید روبرو شد. در نتیجه به دیدار عایشه رفت و عایشه وی را سفارش به مدارا و رفتار نیک با آنان کرد.

سرانجام در سال ۵۶ هجری معاویه ولایتعهدی یزید را به صورت رسمی اعلام کرد و بدین منظور جشن‌هایی در دمشق بر پا کرد. مردم عراق، شام و کوفه بیعت خویش با یزید را اعلام کردند. در مدینه نیز سعید بن عاص کارگزار معاویه با زور و ارباب از مردم برای یزید بیعت گرفت اما امام حسین (ع) و فرزندان صحابه کماکان از بیعت سر باز زدند. معاویه که نگران بود این مخالفت به شورش مردمی منجر شود برای دیدار با ایشان به سمت مدینه حرکت کرد. مخالفین نیز که از سفر او آگاه شدند به سمت مکه حرکت کردند اما معاویه به دنبال ایشان به مکه رفت. در ملاقات مجدد نیز مخالفان حاضر به بیعت نشدند. معاویه که متوجه شده بود نمی‌تواند از راه تسامح وارد شود بنا بر روایات تاریخی دستور داد که بر بالین هر کدام از مخالفان دو نفر با شمشیر برهنه قرار

بگیرند و اگر ایشان سخنان معاویه را تکذیب کردند گردن آنان زده شود. سپس بر بالای منبر مسجد رفت و گفت: امروز این افراد که از بزرگان اسلام هستند و هیچ کاری را بدون صلاح و مشورت آنان انجام نمیدهم با یزید بیعت کردند. سپس از مردم خواست که آنان نیز بیعت کنند. گروهی از شامیان اعلام کردند که آنها باید به طور علنی بیعت کنند اما معاویه آنان را ساکت کرد. سپس هدایایی بین مردم تقسیم کرد و به شام بازگشت. پس از مرگ معاویه یزید از حاکم خود خواست که از این افراد بیعت بگیرد که امام حسین(ع) و عبدالله بن زبیر حاضر به پذیرش این امر نشدند.

سیاست خارجی معاویه

معاویه دارای پایه های محکم و شالوده ثابتی در سیاست خارجی بود. دوران وی شاهد فتوحات وسیع مانند دوران خلفای نخستین نبود. این امر به دلیل ناتوانی معاویه و سپاه او نبود بلکه بخاطر برآورد درست کارها توسط معاویه بود. چرا که اولویت وی تثبیت فتوحات در مناطق شرقی و غلبه بر شورش های داخلی بود. زیرا در این دوره در مناطق مختلف قلمرو اسلامی و به ویژه در نتیجه آگاهی قومی ایرانیان قیام هایی به وقوع پیوست. با این وجود معاویه چه در جبهه غرب و چه در جبهه شرق درگیری های متعددی داشت.

جبهه غربی (جبهه روم)

در سال ۹ هجری در پی انتشار خبر حمله ی روم، پیامبر (ص) سپاهی را برای مقابله با رومی ها به ناحیه ای بنام تبوک فرستاد اما نبردی بین دو طرف رخ نداد. در زمان خلافت ابوبکر به دستور وی مسلمانان برای جنگ با امپراطوری روم شرقی به سمت شام و فلسطین رفتند که هدف از آن گسترش دین اسلام و دستیابی به مناطق مذکور بود که به لحاظ اقتصادی و نظامی دارای اهمیت بودند. در زمان خلافت عمر و عثمان جنگ در این نواحی ادامه داشت و مسلمانان بسیاری از مناطق شام را تصرف کردند که حکومت آن در اختیار معاویه و برادرش قرار داشت و بعد از مرگ برادرش یزید، وی به تنهایی حکومت این مناطق را بر عهده گرفت. نخستین

درگیری معاویه با امپراطوری روم نبرد ذات الصواری (نبرد دکل) بود که در سال ۳۴ هجری و در ایام خلافت عثمان به وقوع پیوست. این جنگ نخستین نبرد دریایی اسلام و روم بود که بنا بر برخی روایات به علت آنکه کشتی های حاضر در جنگ دارای دکل های بزرگ بودند به جنگ ذات الصواری مشهور شده است. علت درگیری آن بود که معاویه در سال ۲۸ هجری جزیره قبرس و مناطق زیادی را در سواحل مدیترانه و سواحل افریقه تصرف کرد که موجب رنجش کنستانتین دوم امپراطور روم شد. در این نبرد سپاه مسلمانان شکست سختی به امپراطوری روم وارد کرد اما جنگ را تا فتح قسطنطنیه ادامه نداد که به احتمال فراوان علت آن شورش علیه عثمان بوده است چرا که نارضایتی از عثمان به میان سپاهیان حاضر در این جنگ هم سرایت کرده بود.

با به حکومت رسیدن امام علی (ع) وی معاویه را از حکومت شام عزل نمود. در نتیجه معاویه آماده جنگ با امام شد و به پیشنهاد عمروعاص بطور موقت با امپراطوری روم صلح کرد و حتی تعهد کرد که به دولت روم خراج سالانه پرداخت کند. اما بعد از بنیان گذاری و تثبیت حکومت به مرکزیت شام معاویه تعهد خویش را کنار گذاشت و در پی تسلط بر قسطنطنیه بود. معاویه دلایلی مختلفی برای رویارویی با رومیان و تصرف قسطنطنیه داشت از جمله: ۱- نزدیکی حکومت روم به مرکز حکومت معاویه در دمشق و شام. ۲- با توجه به سابقه تاریخی این منطقه که قرون متمادی در دست رومی ها بود خطر حمله دولت روم همیشه وجود داشت و تهدیدی بالقوه برای حکومت معاویه بود. ۳- این منطقه پل ارتباطی بین دنیای شرق و غرب بود و در نتیجه به لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت بسیار زیادی بود.

در نتیجه معاویه برای افزایش توانایی سپاه خود در مقابل روم دست به یک سلسله اقدامات زد. وی که پیش تر شروع به تجهیز سپاه خود به سبک رومی ها کرده و به کشتی سازی و تشکیل نیروی دریایی به سبک رومی ها روی آورده بود در این برهه شروع به تقویت نوارهای مرزی حکومت خود از طریق بخشیدن اقطاع (بخشیدن زمین به منظور بهره برداری) در منطقه به گروهی از مردم ایران، بعلبک، حُمص، بصره و کوفه کرد تا این افراد

در مناطق مرزی حضور یابند. همچنین گروهی از ژط ها (گروهی از مهاجران هندی که پیش از اسلام وارد مناطق پارس نشین شده بودند) را به مناطق ساحلی مرزی کوچ داد. علاوه بر آن برای تحکیم دژهای مرزی شهرهای سُمیسات و مَلطیه را تصرف نمود و چندین دژ دیگر نظیر دژ مرعش و دژ حدث را ایجاد کرد و در نهایت دژ راهبردی زَبَطره در نزدیکی مَلطیه را تصرف و از نو سنگربندی نمود. عَکّا، صور، جَبَله، و انطَرطوس دیگر شهرهایی بودند که معاویه به لحاظ دفاعی و نظامی آنها را تقویت نمود.

همچنین معاویه که نخستین کسی است که در تاریخ اسلام ناوگان جنگی تشکیل داده و مسلمانان را برای جنگ به دریای مدیترانه فرستاد برای دفاع از سواحل، دستیابی به جزایر مقابل سواحل شام (مانند آرواد، قبرس، رُودس)، دفاع از سرزمینهای متصرفی و ادامه تجارت خارجی با سرزمین های مجاور دریای مدیترانه به تقویت بیشتر نیروی دریایی پرداخت. به ویژه بدان جهت که این دریا کماکان در دست رومی ها بود. او فرماندهی این نیروی دریایی قوی را برعهده ناخدایان عرب از قبیله اَزْد قرار داد که موفق شدند نفوذ حکومت اموی را در سواحل شام تثبیت و جزایر مورد نظر را تصرف کنند.

علاوه بر سیاست های یاد شده معاویه سیاست های دیگری داشت که دارای ویژگی های تهاجمی و دفاعی بود و آن عبارت بود از حمله ادواری منظم زمستانی و تابستانی به سرزمین های روم در آسیای صغیر. هدف از این حملات سیطره بر قلعه ها و دژهای کوهستانی مهم و هجوم به داخل سرزمین روم و جلوگیری از تلاش رومی ها برای ورود به سرزمین های اسلامی بود.

همچنین معاویه در سال ۴۹ هجری سپاهی را به فرماندهی فضاله بن عبدالله را به محاصره قسطنطنیه فرستاد و بعد از مدتی سپاه دیگری را به فرماندهی سوفیان بن عوف برای تقویت سپاه اسلام به منطقه اعزام کرد ولی این دو سپاه موفق به تصرف قسطنطنیه نشدند که دلایل آن عبارت بودند از: ۱- موقعیت جغرافیایی شهر و حصارهای محکم آن که تصرف آن را دشوار میکرد. ۲- کمبود آذوقه و خوار وبار برای سپاه. ۳- مسافت طولانی که کمک

رسانی را دشوار میکرد. از نکات قابل ذکر درباره ای این عملیات نظامی حضور یزید در سپاه اسلام بود. معاویه قصد داشت با این اقدام هم او را فردی جهادگر، مشروع و شایسته خلافت معرفی کند و هم باعث شود که یزید برای خلافت تجربه اندوزی کند. ابویوب انصاری صحابه پیامبر نیز در این عملیات نظامی بر اثر کھولت سن درگذشت.

محاصره اول قسطنطنیه اگر چه منجر به پیروزی نظامی نشد ولی برای امویان پیروزی سیاسی را به دنبال داشت. چرا که امپراطوری روم که سالهای متمادی همواره سیاست تهاجمی داشت این بار به سیاست های دفاعی روی آورده و هدف خود را بر دفاع از شهرهای خود متمرکز کرده بود. بعد از این عملیات معاویه از تلاش خود کم نکرد و شروع به تصرف جزایر مهم اطراف قسطنطنیه کرد تا به این طریق محاصره دریایی قسطنطنیه را کامل کند.

محاصره دوم قسطنطنیه که از دو طریق دریا و خشکی صورت گرفت از سال ۵۴ تا سال ۶۰ هجری به طول انجامید اما نتیجه مثبتی برای بنی امیه در پی نداشت و ناموفق بود که برخی از دلایل آن عبارت بودند از: ۱- استواری حصارهای شهر ۲- بدی آب و هوا ۳- جریان های آبی شدیدی که کشتی ها را از حصارها دور میکرد ۴- استفاده رومی ها از منجنیق و آتش یونانی (آتشی که اگر آب روی آن ریخته می شد شعله ور تر می شد). ۵- مسائل داخلی حکومت بنی امیه، چرا که معاویه به مرور متوجه شد که نبرد مذکور یک نبرد فرسایشی است و تنها به تضعیف روحیه و ارتش منجر می شود. بعلاوه وی لازم میدید که سپاه اموی در داخل باشد تا بتواند در صورت مرگ وی به یاری یزید بشتابد تا مشکلی برای به قدرت رسیدن او به وجود نیاید.

در نتیجه معاویه بعد از محاصره طولانی و بی نتیجه پایتخت روم تصمیم به صلح گرفت و رومی ها نیز که خسته از محاصره و جنگ طولانی بودند به درخواست وی پاسخ مثبت دادند. بر اساس این صلح معاویه میبایست سالانه ۳ هزار قطعه طلا، ۵۰ اسیر و ۵۰ راس اسب به روم بپردازد. مدت صلح نیز ۳۰ سال تعیین گردید.

جبهه شرقی

از جمله اقدامات معاویه انتقال ۱۰ هزار خانواده عرب به مناطق مختلف ایران به ویژه مناطق شرقی و خراسان بود. هدف وی از این کار گسترش تعالیم اسلام، ترویج زبان و فرهنگ عرب در بین ایرانیان و همچنین توانایی برای سرکوب شورش های احتمالی و حراست از مرزها بود. در شرق بیشتر فتوحات مسلمین در عصر معاویه حاشیه ای و نسبت به قبل ناچیز بود چرا که از یک سو تمرکز معاویه بیشتر بر جبهه غربی و رویارویی با روم و همچنین جبهه شمال آفریقا بود. از سوی دیگر برای مسلمانان تثبیت فتوحات شرقی و نشر اسلام در این سرزمینها از فتوحات جدید و توسعه بیشتر مهمتر بود. اما با این وجود در شرق جنگ ها از مرز سند تا حدود سرزمین ماورالنهر را در بر میگرفت.

در زمان خلافت عثمان مسلمانان به کش (شهر سبز در ازبکستان کنونی) رسیدند. در زمان معاویه، عبدالله بن سوار امیر ثغر سند کشته و مُهَلَب بن ابی صُفْرَه مامور فتوحات شرقی شد و به لاهور رسید. قیس بن هیثم بادغیس، هرات و بلخ را در پی شورش مجدد مردم انجا دوباره تصرف کرد. زیاد بن ابیه نیز با حمله به کابل و محاصره شهر موفق به تسلیم کردن مردم آن شد. فرزندش عبیدالله بن زیاد نیز از سیحون گذشت و به بیکند (شهری تاریخی در جنوب شهر بخارا) رسید. ملکه این شهر با ترکان متحد شد اما از سپاه عبیدالله شکست خورد و با پرداخت جزیه از در صلح وارد شد. هنگامی که معاویه سعید بن عثمان را حاکم خراسان کرد خاتون بیکند از فرصت تغییر استانداران استفاده و دست به قیام زد. شورشیان سُغْد، ترک، کش و نَسَف به او پیوستند. جنگ شدیدی در بخارا میان شورشیان و مسلمانان در گرفت. در نهایت سپاه سعید بن عثمان پیروز شد و خاتون به ناچار تسلیم شد. سعید بن عثمان پس از این نبرد قصد تصرف سمرقند را کرد و خاتون سپاهیان خود را در اختیار وی قرار داد. جنگ سه روز به طول انجامید و بنا بر روایات تاریخی در این نبرد چشم سعید بن عثمان و چشم مهلب بن ابی صفره نابینا شد. سر انجام شخصی از اهالی سمرقند راههای ورود به شهر و چگونگی تصرف آن را

به سعید بن عثمان آموزش داد. در نتیجه مسلمانان وارد شهر شده و سعید در ازای دریافت ۷۰۰ هزار دینار و گروگان گرفتن ۸۰ شاهزاده، حاضر به قبول پیشنهاد صلح شد با این شرط که هر وقت که خواست با سپاهیان خود از یک دروازه وارد سمرقند شود و از دروازه دیگر خارج شود. سعید سپس بدون جنگ و خونریزی ترمذ(شهری تاریخی در ازبکستان) را فتح کرد.

دانشجویان عزیز با توجه به بررسی تکالیف، تلفظ صحیح برخی اصطلاحات و اسامی در تکلیف قبلی که برای عزیزان تازگی دارد ذکر می‌شود.

۱- جَبْرِیه

۲- مُرَجَّئَه

۳- قَدَرِیه

۴- جَهْم بن صَفْوَان